

یادداشت

## برای آینده‌ای بهتر تلاش می‌کنیم

**سید نظام‌الدین نعمت‌الله‌زاده**

**\*** صاحب امتیاز و مدیر مسئول

با درود بیکران به یاران همیشگی استقامت و هم استانی‌های دیار کریمان.

سال‌هاست که در کسوت رسانه با نام استقامت و با وجود تمام فراز و نشیب‌ها در خدمت شما عزیزان فرهنگ دوست هستیم.

ناملامت‌های زیادی دیدیم و گذشتیم و ماندیم. سختی‌های مرسوم در جامعهٔ طبع و نشر نه تنها نا امیدمان نکرد، بلکه ریشه‌ها را قوی‌تر و ما را نیز آبدیده‌تر کرد، و این ممکن نبود الا با حمایت شما فرهیختگان فرهنگ‌دوست و البته تلاش فداکارانه گروه تحریریه که بدون چشم‌داشت مادی و با تکیه بر اصل «تلاش برای آینده‌ای بهتر» تمام کوشش خود را در جهت بهبود کیفیت مطالب و اطلاع‌رسانی بکار برده و افزایش استقبال مخاطبان را بزرگ‌ترین دستاورد و پاداش برای خود می‌دانند.

به ایام پایانی سال رسیده‌ایم و به رسم سال‌های گذشته مفتخرم که به نمایندگی خانواده و به همراه تمامی همکاران خود، عید نوروز را به شما هموطنان بخصوص هم‌استانی‌های کریم و فهیم تبریک عرض نموده و آرزوی سالی جدید، مملو ازشور و شادی و شعف به همراه موفقیت‌های روزافزون و بهروزی داشته باشیم، نوروزتان پیروز.

————— ❁ —❁ —❁ —————

### روز از نو، تصمیم از نو!

**اسما پورزنگی آبادی**

**\*** دبیر تحریریه و گروه جامعه

یکی از رسم‌های نسبتاً نو نوروزی در ایران این شده که از همان ابتدا برای کل سال فهرستی از اهداف را تعیین می‌کنیم و براساس آن تصمیم به انجام برخی کارها و رها کردن برخی دیگر می‌گیریم. انگار که با تغییر تقویم، ارادهٔ ما هم نوسازی می‌شود و فرصتی تازه برای تغییر به دست می‌آوریم. کم نیستند کسانی که در این روزها، تصمیم‌های سال جدید خود را ردیف می‌کنند: سالم‌تر زندگی کردن، بیش‌تر کتاب خواندن، ورزش کردن و تناسب اندام، فلان هنر یا مهارت را آموختن، فلان شغل را ترک و فلان حرفه را شروع کردن، حذف آدم‌های سنی (این آخری را بلاگرهای روانکاو! به خورد ملت داده‌اند). خلاصه هزاران «از این به بعد» دیگر.

اما بیابید با هم به این پرسش‌های ساده فکر کنیم: این تصمیم‌ها را چگونه می‌بینیم؟ برچه اساسی این تصمیم‌ها که برخی فردی و برخی اجتماعی هستند را می‌گیریم؟ چرا در نگرش ما ایرانی‌ها، نوروز و شروع سال نو با تصمیم‌های جدید مقارن شده است؟ اگر این تصمیم‌ها برایمان اهمیت دارند چرا در روزهای دیگر سال به سراغ‌شان نمی‌رویم؟ ایشخور این تصمیم‌ها کجاست؟ چطور به آن‌ها رسیده‌ایم؟ تصمیم‌های امسال ما با پارسال و پیرارسال چه تفاوتی دارد؟ چقدر از آن تحت تاثیر موج‌های روز اجتماعی و فرهنگی و چقدر برمبنای نیازهای واقعی زندگی‌مان انتخاب شده است؟ آیا تصمیم‌های نوروزی و بهارانهٔ ما بیش‌تر از جنس نمایش‌اند یا تحول؟ آیا صرفاً به این دلیل تصمیم می‌گیریم که تغییری واقعی را خواهیم یا به این دلیل که جامعه از ما این انتظار را دارد؟ چرا برای تغییر، به بهانه‌ای مثل سال نو نیاز داریم و در هر روز دیگر از سال این اراده را نداریم؟ آیا تصمیم‌هایی که می‌گیریم، لاقلاً تا پایان فروردین‌ماه دوام دارد؟ اصلاً چرا تصمیم نمی‌گیریم که در سال جدید، دیگر تصمیمی نگیریم؟

به نظر می‌رسد رسم جدیدی که ما به آداب نوروزی نیاکان‌مان افزوده‌ایم یعنی همین تصمیم‌گیری، بیش‌تر احساسی و هیجانی باشد تا برمبنای عقلانیت؛ کدام عقلانیتی می‌پذیرد که برنامه برای زندگی فردی و اجتماعی را یک ساله بندیم؟ اگر قرار است تصمیم‌های ما از جنس رشد و تغییر و تعالی باشند، باید آن را نه در لحظه‌ای احساسی، بلکه در فرآیندی آگاهانه و مستمر اتخاذ کنیم. بنابراین، شاید بهترین تصمیم نوروزی این باشد که از این نمایش تصمیم‌گیری یا تصمیم‌نمایشی فاصله بگیریم.

————— ❁ —❁ —❁ —————

#### نوروز؛ پیوند سنت و مدرنیته در جهان امروز

**پروین میرزا حسینی**

**\*** دبیر اقتصاد و آموزش و بهداشت

نوروز در طول قرن‌ها توانسته خود را با تغییرات اجتماعی و فرهنگی تطبیق دهد و همچنان جایگاه خود را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جشن‌های ایرانی حفظ کند. اما در دنیای امروز، که تکنولوژی با سرعتی خیره‌کننده پیش می‌رود، چالش اصلی زنده نگاه‌داشتن آداب و رسوم این جشن باشکوه است.

نوروز نه‌تنها جشن طبیعت است، بلکه جشن انسان نیز به شمار می‌آید. با آمدن بهار، امید و انرژی تازه‌ای در زندگی مردم دمیده می‌شود. خانه‌تکانی، خرید لباس نو، چیدن سفره هفت‌سین و دید و بازدیدها، همگی از سنت‌هایی هستند که شادی و نشاط را به همراه می‌آورند و پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کنند.

امروزه، فناوری به جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان تبدیل شده است. ارتباطات دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی، نحوهٔ تعاملات انسانی را تغییر داده‌اند و بسیاری از سنت‌های گذشته تحت تاثیر این تغییرات قرار گرفته‌اند.

در این میان، نوروز نیز از این تحول بی‌بهره نمانده است. کارت‌های تبریک کاغذی جای خود را به پیام‌های الکترونیکی داده‌اند، دید و بازدیدهای نوروزی در بسیاری از موارد به تماس‌های تصویری تبدیل شده‌اند و خریده‌های نوروزی به فروشگاه‌های آنلاین سپرده شده‌اند. با این حال، در میان این همه تغییر، اهمیت حفظ ارزش‌های فرهنگی و سنتی بیش از پیش احساس می‌شود.

نوروز نه‌تنها یک جشن، بلکه یک میراث فرهنگی است که باید آن را به نسل‌های آینده منتقل کرد. در هیاهوی دنیای مدرن، گاهی لازم است که کمی از سرعت تکنولوژی فاصله بگیریم و لحظاتی را با سنت‌های ارزشمند خود سپری کنیم. زیرا این آیین‌ها، ما را به ریشه‌های فرهنگی‌مان متصل می‌کنند و هویت ما را شکل می‌دهند. نوروز فرصتی برای بازگشت به اصل خود و تجربهٔ لحظاتی ناب و صمیمانه در کنار خانواده و عزیزان است.

در گذشته، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نوروز، صمیمیت و ارتباطات چهره‌به‌چهره بود. امروز که بسیاری از تعاملات اجتماعی به فضای دیجیتال منتقل شده، لازم است تا اهمیت دید و بازدیدهای حضوری را دوباره درک کنیم. دیدار با خانواده و دوستان نه‌تنها شادی‌بخش است، بلکه موجب تحکیم روابط انسانی و احساس همبستگی می‌شود.

نوروز، فراتر از یک جشن، پلی است که گذشته را به آینده پیوند می‌زند. در دنیایی که تکنولوژی با سرعتی حیرت‌آور پیش می‌رود، حفظ سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. جشن نوروز فرصتی برای کنار گذاشتن زندگی دیجیتال و بازگشت به ریشه‌های اصیل ایرانی است. شاید در دنیای امروز همه چیز به‌سرعت تغییر کند، اما نوروز همچنان همان پیام دیرینه خود را حفظ کرده است: «آغاز دوباره، امید و شوق زندگی».

باید تلاش کنیم تا در کنار تغییرات دنیای مدرن، اصالت این جشن باستانی را حفظ کنیم و آن را به شکلی زنده و پویا به نسل‌های آینده انتقال دهیم. نوروز فقط تغییر یک سال در تقویم نیست، بلکه فرصتی برای نو شدن دل‌ها و بازآفرینی ارزش‌های انسانی و فرهنگی ماست.

## نوروزنامه

❁

❁

# اما بچه‌ها گناهن!؟

حالا تا کی مادربزرگ بتواند با درد کمر و زانو خانه را به سامان کند.

حالا عید است و این بچه‌ها عیدی می‌خواهند! پدر و مادرشان هم که حداقل یک وعده شام و ناهاری مهمانشان هستند، با مستمری بازنشستگی دوازده میلیون تومانی چه‌کار می‌توان کرد؟ سرانگشتی هم حساب می‌کنیم، تمنان می‌لرزد، حالا دیگر کسانی به فقر مبتلا شده‌اند که روزگاری توی مردم قرب و عزتی داشتند، اسم و رسمی داشتند. نام تبریم، هر کدام از ما دور و برمان از این جماعت کم سراغ نداریم، نمی‌دانم آیا به سرخ کردن صورت با سیلی فکر کرده‌اید؟ اصلا آیا سیلی خورده‌اید؟ روی صورت خیلی از این سیلی خورده‌ها، رد سیلی پیداست. می‌دانید دارم از چه چیزی می‌گویم؟ کم نداریم! آپروداری با ندارِی! بگذرَم.

اما بچه‌ها گناهن!؟

۳ - نوروزها می‌آیند و می‌روند، بچه‌ها با تمام آرزوها و رؤیاهایشان بزرگ می‌شوند. چه به آرزوهایشان برسند، چه نرسند، که نمی‌رسند ما هم همچنان پیر می‌شویم با آرزوها و رویاهایی که حسرت به دلمان کرده‌اند. چقدر برایمان دعا کرده بودند که عاقبت بخیر شویم و نشدیم! اما بچه‌ها گناهن!؟

۴ - دلم نمی‌خواهد در آستانهٔ سال نو آیهٔ یأس بخوانم. دلم نمی‌خواهد حلاوت آغاز سالی جدید را با یادآوری همهٔ آن‌چه که همه‌مان می‌دانیم تلخ کنم. دلم می‌خواهد مثل همهٔ سال‌هایی که گذشت، بخوانیم یا مقلب‌القلوب و‌الابصار، یا مدبر‌اللیل و النهار و … نمی‌دانم ولی چرا این سال‌ها حالمان احسن‌الحال نمی‌شود؟ آن‌قدر که حالا دیگر راضی شده‌ایم دعا کنیم بدتر از این نشود.

اما بچه‌ها گناهن!؟

۵ - ما بهار را گم کرده‌ایم. دیگر از آن باران‌های بهاری، از آن رنگین کمان‌ها، آن رعد و برقی‌ها و آن باران‌های منهم شبانه خبری نیست. تابستان‌هایمان خشک و داغ، پاییزهایمان خشک و زرد و زمستان‌هایمان خشک و سرد… نمی‌دانم دلمان را باید به چه چیز خوش کنیم، از ما که گذشت… اما بچه‌ها گناهن!؟

۶ - آن‌چه که نوشتم، نه یک بهاریه که دلنوشته‌ای از سر دل‌تنگی بود. گلابی‌ای از سرخستگی. جدی نگریدا!

برایتان سالی پربرکت و عزت و برای مهین عزیزمان سالی سراسر بهار و مهربانی، سالی سراسر پیروزی و شکوه و سالی سراسر سبز و آبادی آرزو می‌کنم.

سالی که آسمان دل‌های همه‌مان آبی و‌آفتابی باشد و یادمان باشد که اما بچه‌ها گناهن!؟

❁ —❁ —❁ —————

# نوروزمان غمگین مباد

بنا شود. هرسال بنا می‌گذاریم سال را با قوایی تازه و پر امید شروع کنیم؛ در حالی‌که ده‌ها نقشه و آرزو در دل و ذهن خود داریم، تجربهٔ ما گواهی می‌دهد جامعهٔ ما اما خیلی سنگین و بی‌اعنا به راه خود می‌رود و گویی تلاش می‌کند جامهٔ امید را از تن ما برکند! بارها با چنین وضعیتی سال را سپری کرده‌ایم و طبیعتاً این تجربه‌ها در آستانهٔ سال نو به ما استرس می‌دهد و همین ما را غمگین می‌کند.

نوروز به دلیل پیوندهای دیرینه‌اش با تاریخ، ما، بخشی از وجود و هویت ما را هم در تسخیر خود دارد. فرهنگ و آداب و رسوم و ادبیات ما با این پدیده انس و الفتی عجیب و نتگاتنگ دارد. اما این فرهنگ و آداب و رسوم هم مثل ذات بشر مرگ و میر و مولید دارند، یعنی نمی‌توان نسبت به رویدادهای فرهنگی و اتفاق‌های نو در جامعه بی‌اعتنا بود. نوروز به ما یک فرصت انتخاب می‌دهد، به همین خاطر ما در میان دو قطب ای‌بندی به آداب و رسوم و تبعیت از الزامات زندگی نو، ناچاریم در تعارض باشیم. این دوگانگی هم بعضاً ما را غمگین می‌کند.

شک ندارم که نوروز موقع حسابرسی به ابعاد گوناگون زندگی و سهم‌خواهی ما از این اتفاق طبیعی و تاریخی است. منظورم سهمی از شادی و برخورداری از مواهب زندگی است. این حساب و کتاب هم غالباً ما را غمگین می‌کند.

شورویختانه به جز عدهٔ معدودی، سهم ما از این کیکی که اسم‌اش را زندگی گذاشته‌ایم هر سال کم و کمتر می‌شود و این با ذات پدیدهٔ فرهنگی نوروز که طبق فرهنگ دیرینهٔ ما، که عناصر آن از جنس شادی و پیروزی به‌هم بافته شده، منافات دارد. این اختلاف و نابرابری که در زیست اجتماعی ما هم روندی افزایشی دارد و طبیعتاً در ایام نوروز، بیش از سایر اوقات سال به آن می‌اندیشیم، بر غم ما می‌افزاید.

اجازه می‌خواهم دیگر این رشته را ادامه ندهم؛ چرا که پدیدهٔ نوروز و آداب و رسوم پیوست آن، و نیز طبیعت همساز با این جشن کهن ظاهراً بر این مبنا پایه‌ریزی شده است که فارغ از همهٔ ناملامیات، که نمونه‌هایش را برشمردم، باید به آینده‌ای بهتر چشم بدوزیم و دعا کنیم سال بهتری پیش‌رو داشته باشیم.

این شادی در فضای نوروزی، ول آن‌که صوری باشد، به ما کمک می‌کند با آن همه زمینه‌های تلخ و دشوار، قدری فاصله بگیریم و از سرچشمه‌های امید با‌هم جرعه‌ای بنوشیم… این هم یک راهی است که فرهنگ کهن ما پیش پای ما گذاشته است. با همه‌ی زخم‌هایی که بر شمردم حیف است آن را نادیده بگیریم. برای همه در سال نو شادی و پیروزی آرزو می‌کنم. سال نو بر همه مبارک باد.